

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان - نخست وزیر محترم ایران

رونوشت :

— دفتر امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب

— دفتر آیتاله طالقانی

— کانون نویسندگان ایران

— روزنامه‌های آیندگان ، اطلاعات ، صدای معاصر و بامداد

کوشش زیادی از جانب ما شد که مشکلات کانون در درون خود کانون حل شده و انتشارش در بیرون مشکلی دیگر بر مشکلات مملکت نیفزاید و تشتت بیشتری را باعث نشود ، ولی عدم احساس مسئولیت و عدم آشنائی سرپرستی کانون با مدیریت و سوء نیت آشکارشان مجبورمان کرد که این نامه سرگشاده را خدمتان فرستاده و تمام ملت ایران را به داوری بخوانیم .

با قیام سلحانه خلق قهرمان ما در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن حکومت ننگین آریامهری سرنگون شد و ما حضور آزادی را در خونین ترین روزهای سرد زمستانی جشن گرفتیم . دیگر سرکوب نیست ، اختناق شکنجه آور ، سانسور و تفتیش عقاید نیست . درگوشی گفتهای هراس آور و بند و زندان نیست ، دیگر زمان زمان منطق و دلیل هست . جشن گرفتیم چرا که گمان میکردیم دیگر حرفت را با گلوله پاسخ نمیگویند ، زیانت را از کام بیرون نمیکشند و مخصوص ما کارکنان مراکز فرهنگی - هنری که لبه تیز دشنام واره مرگ آور دستگیری و شکنجه همواره بسوی ماتاب میخورد - و این را تاریخچه کانون پرورش فکری بخوبی نشان میدهد - چه هوای پاکیزه‌ای و چه خیال مطبوعی که از این رهائی از بند سرکوب و تفتیش و اختناق در سر نداشتیم .

مدیرعامل فاسد کانون و پاره‌ای مدیران بی صلاحیت که از مدتها پیش زیر فشار یکپارچه شورای قسمت های مختلف کانون عملاً از کار برکنار شده و منتظر محاکمات قانونی و اخراج بودند ، کانون مدت کوتاهی تارسیدن مدیرعامل جدید چشم در راه مدیرعامل با فرهنگ ، انقلابی آزاداندیش و برگزیده بودتار ، اینکه روزی خبر رسید مدیرعامل جدید آمدند همه کارکنان برای جلسه آشنائی با این مدیر فراخوانده شدیم . چقدر خوشحال بودیم . جلسه تشکیل شد چشمها از خوشهالی برق میزد . ولی جناب آقای مهندس بازرگان آنروز در پارک جلالیه آقای مدیرعامل که آمدند خشک و عبوس خودشان را پشت تریبون جابجا کردند بدون مقدمه ، بدون هیچ علت و اساسی همه ما را به طاغوتی بودن و ساواکی بودن و ضد انقلابی بودن متهم کردند . گفتند که آدم حسابی توی شما پیدا نمیشود ، گفتند تا الان شما جز خیانت به مردم کاری نکرده‌اید و شما برای بنیاد فرح کار میکردید در پایان گفتند شما فرصت داده میشود که هرچه زودتر خودتان را اصلاح کرده و با انقلاب همگام کنید - این شخص حتی نمیدانست رقم عمده‌ای از کتابها و فیلمهای توقیف شده و افراد زندانی و شکنجه شده از همین کانون بوده‌اند

خلاصه تهمت و تحقیر توهین آنقدر بالا گرفت که عده‌ای از حاضران که از گردانندگان اصلی اعتصابات فلج کننده رژیم قلی بودند مجبوره اعتراض شدند . آقای مذیرعامل انقلابی ! بدون توجه به اعتراضات به فحاشی و تحقیر و تکفیرش ادامه داد چندان که پاره‌ای از کارکنان صبرشان سر آمد و برای جلوگیری از هرگونه انفجار و درگیری جلسه را ترک کردند . چند روز از این ماجرا گذشت و کارکنان که هنوز منتظر اقدامات انقلابی در کانون بودند ، زمزمه تفرقه و تهدید شنیدند . خیلی مرموزانه و مشکوک لیست هائی بر درودیوار نصب شد که بطور ضمنی خواستار اخراج عده‌ای بودند جناب آقای نخست وزیر قابل توجه است این عده نامبرده همان گردانندگان اعتصابات در هم کوبنده رژیم شاه بودند ولی قضیه جدی تلقی نشد . اما چیزی از این ماجرا نگذشته بود که شنیده شد در چند کتابخانه کودک تعدادی از اعضا ، ماموریت یافتند تا خواستار برکناری پاره‌ای از کتابداران از کارشان شوند - چیزی که اصلاً سابقه نداشت . دیگر مسئله خیلی جدی بنظر می‌آمد . شورای کتابداران و کارکنان که در جریان انقلاب بر حسب ضرورت شکل گرفته و بوجود آمده بود تصمیم گرفتند این مشکل عجیب و بیسابقه را با آقایان سرپرستان (که تعداد ثابتی نبودند) در جریان بگذارند تا به کمک هم به راه حلی برسند ، جلسه‌ای شد و پس از مذاکره با آقایان (جنابان فیض و زرین) قضیه عجیب تر شد ، سرپرستی با خونسردی و بدون هیچگونه احساس مسئولیتی گفتند انقلاب است و باید هم اینجوری باشد . دیگر موضوع ساده نبود . مشخص شد که اتفاقات طبق يك برنامه و يك نقشه از قبل تدارك شده انجام می‌گیرد . به کتابخانه‌های اراك و آبادان حمله شد ، با سرپرستی که تماس گرفته شد حمله‌ها را تأیید کردند و گفتند خوب مردم آزادند . اما کارکنان بخصوص کارکنان فرهنگی - هنری که دیگر انتظار يك منطق انقلابی را داشتند این فضا برایشان مرگ آور میشد . به کتابخانه‌های جنوب تهران حمله شد . تلفن مستقیم سرپرستی کانون را توی جیب همه اعضای تازه وارد میشد پیدا کرد . کارشناسان فرهنگی تصمیم گرفتند برای حل مشکل مستقلاً نشست با هیئت سرپرستی داشته باشند . در جلسه علناً آقای زرین (که به مرور آقای فیض را کنار گذاشتند) به کارشناسان گفت که همه شما توطئه‌گرید . جلسه به نتیجه‌ای نرسید . دیگر هیچ راهی وجود نداشت مگر اینکه برای روشن شدن مسائل و حل مشکلات مجدداً جلسه عمومی دیگری با حضور سرپرستی و همه کارکنان کانون تشکیل شود . هنوز امید بهبود میرفت . ولی آقایان سرپرستان در روز معین به جلسه‌ای که در پارک جلالیه برای حل این مشکلات ترتیب یافته بود نیامدند . اما این حرکت توهین آمیز سرپرستی هم باعث در هم ریختن جلسه نشد بلکه سراسر جلسه بطور منظم به افشای روابط تار عنکبوتی و مناسبات مشکوک درون کانون پرداخته شد و این افشاگری و تحلیل اوضاع آنقدر روشن و قابل لمس بود که حتی پاره‌ای از کارکنان ساده کانون که سرپرستی همواره از صداقت و ناآگاهی سیاسی شان بطور تنفر آوری در جهت منافع ضد مردمی شان سوءاستفاده مینمایند متوجه بعضی حقایق شده و سایر کارکنان آگاه هم صدا شده ، خواهان پاسخگویی سرپرستی (آقایان فیض و زرین) به اعتراضات بحق این عده شدند

و زیر این فشار رسوا کننده بود که آقایان سرپرستان مجبور شدند در تاریخ ۲/۲/۵۸ به کاخ جوانان مرکزی آمده و به سئوالات کارکنان پاسخ دهد. در این جلسه عمومی یکی از کارکنان فرهنگی چند سوال پیرامون اوضاع مشکوک کانون مطرح کرد (مدارکش موجود است) اما سرپرستی بجای هر نوع پاسخ اصولی به این پرسشها (چون پاسخی نداشتند) طبق فلسفه تفرقه بیانداز و حکومت کن روبه دوستان کارگر و خدمتگزار و راننده کانون کرد. که تمام مدت اعتصابات را شانه به شانه هم علیه رژیم جنگیده بودیم. و با کمال وقاحت گفت اینها (کارمندان) هنوز میخواهند آقایان باشند و شما نوکرشان (زهی عدالت انسانی و بیشرمی) کی اینچنین بوده است؟ حداقل از ناحیه این افراد کانون (به دوستان ما گفتند شما نباید این اجازه را به کسی بدهید روی سرتان سوار بشوند، از احساسات پاک مذهبی عناصر ناآگاه سوء استفاده کردند، گفتند اینها میخواهند مذهبتان را بگیرند (حربه‌ای که اینروزها فرصت طلبان منحوس به کارش میگیرند)، هر نوع شورا را رد کردند و با صراحت گفتند هیچ نوع انتخابی در کار نیست و همه نوع تصمیمات را خودمان میگیریم و نیز گفتنی است که در همین جلسه شکاف درون سرپرستی نیز آشکار شد و جلسه بهم خورد، و از آنروز به بعد بارها با خدمتگزاران و دوستان راننده ما جلسه کردند و بهشان گفتند: اینها که هی سوال میکنند و ایجاد مشکل میکنند کونیست و ضد انقلابیند (همان گردانندگان اعتصاب) از خدمتگزاران کتابخانه‌ها خواستند کتابداران را زیر نظر داشته باشند، بخشنامه صادر کردند که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که محل کتاب است، کتاب رد و بدل نشود، گفتند سعی کنید هر جور هست نام کتابهایی را که کتابداران میخوانند یادداشت کنید (هر چند این دوستان ما چندان اعتنائی به این موهومات نکردند)، چون هر نوع توطئه و برنامه‌های ضد انسانیشان نقش بر آب شد چاره‌ای کوتاه بینانه اندیشیدند. حقوق همه کسانی که در این جلسات برای رفع مشکلات مطلبی گفته بودند قطع شد. اوضاع غیر قابل تحمل میشد، این عمل غیر انسانی باعث برآشفتگی همه عناصر آگاه و صادق کانون شده، تصمیم به تشکیل مجمعی از شوراهای و کمیته فرهنگی و عناصر فرهنگی - هنری گرفته شد. مجمع تشکیل شده و هیئت اجرایی آن تعیین گردید و به این هیئت ماموریت داده شد با سرپرستی تماس گرفته و به مشکلات پایان دهد. بدین منظور با سرپرستی تماس گرفته شد، دوا برادر شد و خلاصه در نشست که انجام گرفت از طرف سرپرستی نه تنها شورا تأیید نشد بلکه در طول مذاکره به تک‌تک اعضا شورا انگ چسبانده شد و بدون آنکه از نشست نتیجه‌ای گرفته شود آقای زرین مدیرعامل کانون جلسه را ترک کردند.

این زمان مواجه شد با اخراج مربیان هنری (که اکثرشان عضو همین شورای فرهنگی هنری هستند) مربیان جمع شده و نمایندگان برای مذاکره با سرپرستی انتخاب کردند. جلسه تشکیل شد و دلایلی که برای اخراج مربیان آورده شد بهیچ وجه قابل قبول نبود. (صورتجلسه موجود است). عملاً کلاسهای هنری تعطیل اعضای این کلاسهای هنری که نمیخواستند که کلاسهایشان نیمه‌کاره رها شود درخواست

دنیای انصاف‌های نامه سرش ده برکت بند
اصغر حسن

بچه - نوزادها

ابوالفضل حسینی الهوی

منسب به یوسف
بهره‌های

مدنی - منیر

علی دلی

موجزینان
مغزین

میرزا میرزا علی اکبر
میرزا

علی اکبر
علی

مستدرار
مستدرار

مکلفه‌های
آرامش

علی اکبر
علی

دلی

بهره‌های

میرزا میرزا

علی اکبر
علی

مستدرار

مستدرار

علی

مستدرار
مستدرار

کتابخانه

هنر و ادبیات

مکتوبه امیر

عبدالغنی

پایان

نور

ادب

جمعه عالی

کتابخانه

کتاب

۱۰

بانی

الف

کتابخانه

۱۰۰

افسانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه آنتالین (طرابلس)

کتابخانه

۲۱۱

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه

کتابخانه آملی
کتابخانه آملی

عبدالله زاهدی

کتابخانه آملی
کتابخانه آملی

کتابخانه آملی
کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آملی

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»